

شش‌هفتاد

۲۴

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری
سال دوم، شماره بیست و چهارم، ماه سنبله ۱۳۹۴

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری

بمناسبت دومین سالگرد نشر ماهنامه شش‌هفتاد

در این شماره

- ۱- سخن نخست
- ۲- پیام رئیس بنیاد ...
- ۳- پیام مدیر مسئول ...
- ۴- آریایی‌ها کی بودند؟
- ۵- صنایع عصر غوری‌ها
- ۶- قلم
- ۷- حرف دل
- ۸- انواع سردرد در ...
- ۹- حقوق شهروندان
- ۱۰- اهمیت خواب
- ۱۱- صفحه کودک
- ۱۳- هنر چیست
- ۱۴- مدیریت





شنسبانه

تاریخی، فرهنگی، ادبی و هنری
سال دوم، شماره بیست و چهارم، ماه سنبله ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

تنظیم کننده و سردبیر: محمد نظر حزین یار

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور محمد عابد حیدری، مولانا شرف الدین اعتصام، استاد محمد رسول فایق، استاد عبدالشکور دھزاد، نیک محمد مستمند غوری، عایشه عنقا نیازی غوری و گل آقا رامش

طراح جلد و صفحه آرایی: محمد قسیم حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹ - حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، حوزه غرب، شهر هرات، گرده پارک
ترقی، سالون فانوس دریا، طبقه چهارم.

چاپ: ستاره نقره ای - کوچه گدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰



مدیر مسئول درویرایش مطالب دست باز دارد.
بدون از سر مقاله، نوشته بلا مطالب دیگر صرف نظر نویسنده بوده و نشریه شنسبانه در این خصوص مسؤلیتی ندارد.



سخن نخست

خواب های سرگردان بعضی از دوستان ما نتوانست به حقیقت مبدل شود، با وجود کم مهری ها و بی باوری ها، شنسبانیه راهش را ادامه داد و به سه سالگی قدم گذاشت، این یک حرکت سنجیده شده، استوار و هدفمند بود که دست اندر کاران آن یدک کشیده و موفقانه آزمون تاریخی، فرهنگی و وطنی شانرا بدقت تمام ایفا نمودند. اهداف شنسبانیه پاک، روشن و شفاف است، شنسبانیه تاریخ گذشته گان با افتخارش را ورق می زند، جوانان را به مطالعه ی آثار فرهنگی و هنری تشویق نموده، برای مردم با قناعت و صبور خودرموز فراگیری دانش را می آموزاند.

شنسبانیه از سیاست و لجات های که سبب رکود در امور محوله میگردد طرفه رفته و آنانیکه راه روشن بنیاد فرهنگی جهانداران غوری را بسوی تاریکی سوق میدهند با ملایمت و اخلاق مدنی و انسانی برخورد نموده و از راهیکه برگزیده انحراف نمی کند.

یکی دیگر از شاخص های ماندگار شنسبانیه همانا پذیرش همه مردم کشور در روند فرهنگ سازی و پیشرفت فرهنگ پسندیده ی مردم پذیر است، حرکت این نامه ی فرهنگی به افق های روشنی است که نسل های بعد بتوانند آنرا بخود سرمشق قرار دهند.

دو سال با افتخار شنسبانیه در شرایط فعلی که انترنیت با سرعت سرسام آوری در حال حرکت است و جوانان و نو جوانان را بخود مصروف ساخته، برای مطالعه کتب و مجلات چانس کمی را بجا گذاشته و در ضمن فرهنگ کتاب خوانی را بکلی به قهقرا کشیده، اما خوشبختانه شنسبانیه خوانندگان زیادی را با وصف کمیت محدود نوشتاری اش مجذوب خود ساخته است، که از مراکز شهر ها گرفته تا دورترین نقاط کشور این نامه ی فرهنگی جای شامخ را بخود اختصاص داده و مورد مطالعه ی همگان قرار گرفته است. البته برنده ی این افتخار نه تنها جوانان و قلم بدستان غوری است، بلکه تمام داران بنیاد جهانداران غوری که با علاقمندی تمام در غنای ماهنامه ی شان دست یازیدند و آنرا پر بارتر ساختند، می باشند، در پهلوی این قلم بدستان دوستان دیگری هم داریم که از خارج کشور همواره می کوشند با مطالب علمی و آموزشی در رونق شنسبانیه همکار خوبی باشند، یقیناً ما به ایشان افتخار نموده و از همکاری های دایمی شان ابراز سپاس میداریم.

مدیریت شنسبانیه مشارکت و همکاری دوستان و علاقمندان و یاران همراه خود را به دیده ی قدرنگریسته و این همکاری های شانرا مستدام و پا برجا میخواهد و برای هر یک از خداوند بزرگ توفیق بیشتر استدعا میدارد.

پیام رئیسی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

بمناسبت دو سالگی ماهنامه شنسبانیه ارگان نشرانی بنیاد

دوستان، فرهنگیان، جوانان و علاقمندان نامه ی فرهنگی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری! جای بس مسرت و افتخار است که ماهنامه ی شنسبانیه، ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، با متانت و استواری، راه های صعب العبور فرهنگی را در شرایط و روال کنونی پیموده و بسوی افق های روشن علمی، تاریخی و ادبی گام بگام پیش می رود.

این نامه ی فرهنگی که ماهوار نشر میگردد، وظیفه خود میداند تا بوضاحت برای معرفی بیشتر دوران امپراطوری غوری ها و باز گو نمودن فرهنگ با افتخار مردم شریف خراسان آنروز و افغانستان کنونی، فعالیت نماید، قدم های برداشته شده ی این نشریه، جای خود را در خانواده ی بزرگ مطبوعات کشور احراز و مورد علاقمندی همه فرهنگیان ارجمند قرار گرفته است.

جای دارد در نخست از دوستانی که در غنای این ماهنامه بذل نموده اند، ابراز تشکر نموده و از جانبی زحمات مدیریت و دست اندرکاران ماهنامه را که بدون توقف بکار شان ادامه داده و در اسرع وقت آنرا بخدمت مردم شان قرار میدهند قدر نمایم.

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری در نظر دارد، به تمام توان در معرفی فرهنگ ارجمند و غنامند و با اعتبار دوران غوری ها، از بدو ایجاد حکومت محلی تا عروج شان به امپراطوری بزرگ جهانداری توسط این نامه ی که بظاهر کوچک می نماید، کوشا بوده و صدای غوری های شرافتمند را در تمام حلقات فرهنگی، ادبی و هنری کشور رسا و رساتر از همه برساند و در این راه همکاری های بیدریغ شما قوت قلب است برای دست اندرکاران شنسبانیه و بنیاد فرهنگی شما، هیچ فردی نتوانسته به تنهایی کاری را انجام دهد که طرف پسند یک اجتماع قرار گیرد، بهمین منوال دست های توانا و قلم های روان شماست که هویت فراموش شده نیاکان نامدار تانرا به معرفی می کشانید.

وبالاخره قلم فرسایی های دلسوزانه شماست که بدون توقف این رسانه ی علمی فرهنگی پا به دو سالگی گذاشته و تمنا میگردد این رسالت وطنی و فرهنگی شما ادامه داشته و ماهنامه ی شما از رنگ و رونق بهتر و رساتر بر خوردار گردد.

دو سالگی ماهنامه شنسبانیه نامه فرهنگی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری بر همگان خجسته باد!

دیپلوم انجینیر عبدالرحمن غوری

پیام امتنانه مدیر مسئول ماهنامه شنسبانیه

بمناسبت دو سالگی ارگان نشرانی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

سپاس خدای را که دانا ترین و بزرگترین حکمت در ید قدرتش متجلی است.

هواداران گرامی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری!

شنسبانیه دوسال با افتخار را پشت سر گذاشت و در این دوسال علاقمندان زیادی بر مطالعه این نامه ی فرهنگی دست یازیدند، نویسندگان، پژوهشگران، شاعران، جوانان، متخصصین عرصه های مختلف در غنای ماهنامه شان مساعی بیدریغ بخرج دادند.

مدیریت ماهنامه شنسبانیه می بالد که دوستان واقعی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، بدون تعلل برای ترویج فرهنگ و هنر غورباستان، در نشر و پخش ماهنامه شان همیشه کوشا بوده و با علاقمندی این نامه فرهنگی شانرا در وقت و زمان آن بچاپ آراستند.

اینجانب بحیث مدیر مسئول ماهنامه شنسبانیه از هیأت تحریر در داخل و چه در خارج کشور که در قسمت نشر بوقت آن سعی نموده و با مطالب علمی و فرهنگی شان اوراق شنسبانیه را زینت بخشیدند ابراز سپاس نموده و از جوانان که همیشه به غنای علمی و تاریخی ماهنامه ی شان پرداخته اند تشکر و قدر می نمایم.

دوستان و علاقمندان بنیاد فرهنگی جهانداران غوری؛ بنیاد بخاطر نشر حقایق تاریخ که بورطه فراموشی سپرده و یا دست اندازی عده ی سرقت گرتاریخی، ابوهت و جلال زمام داران غوری را از اسناد کشوری و مردمی به نابودی مواجه نمودند، فعالیت نموده، هیچ هدف سیاسی و راز پنهانی را در استراتیژی و خط مش خود جا نمیدهد، یگانه مرجع که واقعیت های عینی را برای مردم ما بازتاب میدهد، همانا تفکر و واقع گرایانه ی شما در ماهنامه ی شنسبانیه است، که در دسترس شما قرار دارد و شما باید که بر اساس اسناد تاریخی، حقایق روشن و مؤثق آنرا در همین نامه ی تان انعکاس میدهید.

ما به همکاری شما، تداوم راهنمایی های مفید شما و قلم های پر بار و سبز شما نیازمندیم، تا هر چند نامه ی ما کوچک هم هست، گام های بزرگ شما عالی تر از سایر نشرات است، که به اساس مشارکت بیدریغانه ی شما، راه ماترا ادامه دهیم.

فرخنده باد دومین سالروز نشر شنسبانیه.

نثار احمد حبیبی غوری

آریایی ها که بودند و از کجا آمدند؟

مدیریت ماهنامه

می تواند باشد، زیرا آریا هارا در روی صحنه ی خاک شان گاهی در بهلیکا (بلخ) و گاهی در کنار کوبها (کابل) و زمانی در دامنه های کوه های بلندایران امروزی مجسم نشان میدهد.

در این هیچ جای شبهه نیست که بخدی (بلخ) به شهادت همه ی منابع قدیم و به تعبیر اکثر محققان جدید، کانون رهایش و مدنیت آن شاخه ی هندواروپایی بود که در ایران و هند انتشار یافتند و نام آریا نیز فقط وقتی به میان آمد که این شاخه در باختر متوطن گردید.

یعنی به زبان دیگر اصطلاح آریا منحصربه منطقه باختری است که از آن بعداً ایران یعنی مسکن آریاها هم ساخته شده و مدنیت های ودایی و اوستایی از آن اشکال آریا و آریا بوجود آوردند و با مهاجران این دو اسم به هند و فارس انتشار یافت.

هكذا از بلخ و باختر در سرود های ریگ ودا، اثری نیست و چنانکه گفته شد در سرود های قدیم که بیشتر در هندوکش سروده شده و امروز بنام «سرود های مجهول» معروف است، این نام وجود دارد، نباید فراموش کرد که اگر ریگ ودا از بلخ و باختر نام نبرده اتراودا که کتاب دیگری از مهاباراته و ادبیات سانسگرت کلاسیک ذکر شده و قبایل متعدد و معروف آریایی که از باختر به ماورای سندو پنجاب مهاجرت کردند، به نام بهلیکه شهرت زیاد داشتند.

اصل کلمه بهلی یا بهالی است که اگر «ه» به «خ» و «ل» آن به «د» تبدیل شود از آن «بخدی» ساخته می شود این نامی است که اوستا به شهر کهن زیبای بلخ داده است.

یکی از ممیزات برجسته ی آریایی ها که بیشتر مربوط به آریایی های باختر می باشد، این است که این توده ی تجیب از قدیم ترین آژمنه تا حال از خود منظومه ها و سروده ها و بانه عبارت دیگر یک دوره «ادبیات شفاهی» برجای گذاشته اند، که منبع معلومات ما و سرچشمه افتخارات خود ایشان بشمار می رود، سرود های آریایی که چهار کتاب ودا را تشکیل میداده و قدیم ترین آن «ریگ ودا» می باشد، عبارت از آثار منظومی است که در زمان استقرار آریاها در حوزه شاداب رود خانه های جنوب هندوکش (غورباستان) سروده شده و بتدریج دامنه آن با مهاجران بطرف شرق و جنوب غرب ایران امروزی ادامه یافته است، چون سروده های (ریگ ودا) یعنی قدیمی ترین قسمت های سرود ودا بعد از جدا شدن شاخه هندی فارسی از باختر به میان آمده و محل ظهور آن دامنه ها و وادی های جنوب و جنوب شرق هندوکش است، بدون شبهه سرود های گمشده و مجهول در شمال هندوکش در کانون قدیم آریایی در بخدی زیبا بوجود آمده و جادار که آنها رابه نام «سرود های بخدی» یا سرود «بهلیکا» بخوانیم.

سرود های ودایی با وجود اینکه مجموعه ی منظومه های مذهبی است، از نقطه نظر جغرافیایی هم می تواند معلومات زیادی برای خواننده داشته باشد، آریاها که در عصر ودایی در دو طرف هندوکش زندگی میکردند صحنه ی زندگی خود را خوب می شناختند، از نقطه نظر آئین و معتقدات با مظاهر طبیعت آشنایی داشتند در شناسایی خاک مسکونی، وضع عمومی، کوه ها، جریان رود خانه ها، دره ها و راه های بزرگ، مهاجرت، سمت وزش باد گل ها و گیاهان خود روی کوهی، کوه های مخصوص روئیدن گیاه و غیره از معرفت و آگاهی زیادی برخوردار بودند، معلوماتی که در زمینه ی جغرافیایی از متن سروده ها استخراج می شود، بسیار مهم و مفید

تاریخ کشور ما مشحون از حوادث، رویداد ها و ماجرا های است که در هر برگش هزاران فلسفه از زندگی آدمهای این کشور به تحریر درآمده و رنگی بر رنگی فزونی گرفته است، ادعا بر این است که ما از نسل آریایی های بوده ایم که زندگی شان به هزاران سال قبل از میلاد عیسی مسیح بر میگردد، حال می بینم که این آریایی ها کی بودند؟، از کجا به کجا آمدند؟ و چگونه بر سر زمین های که در آن نفس می کشیم مسلط شدند؟

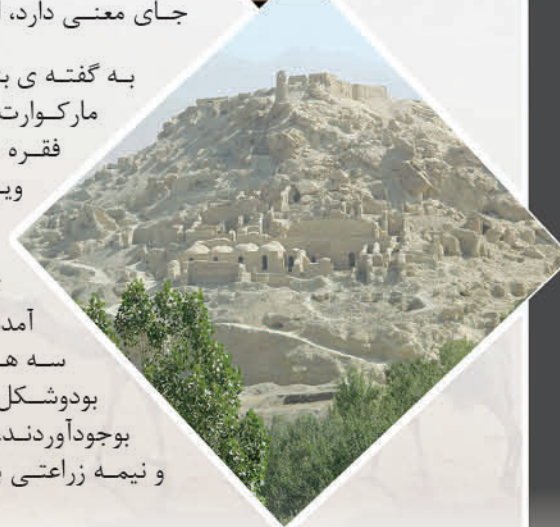
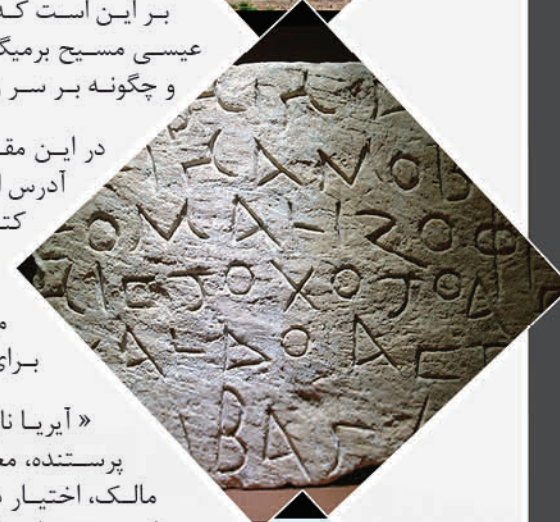
در این مقال خواستیم خلاصه ی از جغرافیای تاریخی بلخ باستان را به مرور بگیریم و از آدرس این سرزمین تاریخ هویت آریایی ها را که ماهم جزء از آنهاست در بایم، در این کتاب که خانم الهامه مفتاح آنرا به چاپ رسانیده، چنین میخوانیم:

در منابع زیاد بخصوص اوستا، آریاها بیشتر در اثر سرما از آریا ویج (ایرناویجه) مهاجرت نموده اند، بهتر است در مورد آریاویجه از زیر نویس این اثر معلوماتی برای خواننده عزیز فراهم گردد؛

«آریا ناویجه از دو کلمه (ایریا) و (ویجه)، آریا همان کلمه آریا است که بیشتر معانی پرستنده، معتقد، قربانی دهنده را دارد و مفهوم اصطلاحی اولیه و قدیم آن؛ نجیب، شریف مالک، اختیار دارمی باشد. ویجه کلمه است که بجای ورته یا ورشه بیان شده، مسکن و جای معنی دارد، آریاناویجه برابر آریاورته یعنی مسکن آریا.

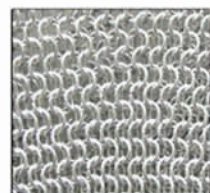
به گفته ی بندهش فصل ۲۹ فقره ۱۲ آریاناویجه در آریایگان واقع است، (آریایجان امروزی) مارکوارت آنرا خوارزم دانسته و این مملکت همان است که در نخستین فرگردوندیداد فقره سوم از آن یاد شده و نخستین کشور آفریده ی اهورا مزدا یاد گردیده، ایران ویج نخستین مملکتی است که اهورا مزدا گوید، من آفریدم (اوستا، پورداود، جلد اول صفحه ۵۹)»

تاریخ می گوید این مردم از راه سغد (سغدیان) و مورو (مرو) به بخدی (باختر) آمدند، از حوالی پنج هزار سال قبل از میلاد تا دو هزار سال قبل از میلاد، لا اقل سه هزار سال در باختر بود و باش داشتند، حیات آنها در اوایل خیلی ساده و طبیعی بود و شکل خانوادگی داشت و آهسته، آهسته قلعه های مستحکم، قریه ها و شهر ها بوجود آوردند، زندگی آنها در اوایل بیشتر جنبه مالداری داشت و سپس شکل نیمه مالدار و نیمه زراعتی بخود گرفت، تا اینکه بتدریج جنبه زراعتی آن ترقی کرد.



صنایع عصر غوریها

مدیریت ماهنامه



فوق (۶۲۲-۶۲۷) هجری بعد از اینکه راجع به تیر اندازی و تیغ و انواع آن به تفصیل مینگارداز سلاح آن روزگار به این ترتیب سخن می راند:

فلاچوری یا قراچوری سلاح ترکان است و کسانیکه جنگ به نیزه کنند و دراز تر از شمشیر برای این کار نهاده اند و کز بدان کرده اند، تا در وقت زخم از پهنای نیفتند، ناچخ سلاح پادشاهان است، که هم دوست راشاید و هم دشمن را.

کناره سلاح هندوان و بی باکان و غدارانست، دشنه سلاح عیارپیشگان و جانبازان و دزدان است، شل و زوبین سلاح افغانان و هندوان و کسانیکه هم تیغ دارند و هم شل و زوبین که چون بیندازند، اگر کاری بیاید، به شمشیر جنگ کنند.

پیل کش و نیمه نیزه سلاح پیاده گان است و کسانیکه سپر چخوگرده دارند و بر درهای حصار باشند، دهره و خشت و دورباش حربه سلاح جانداران است و کسانیکه نگهبانی پادشاهان کنند و دشمنان را از آن دور دارند، نیزه سلاح ترکان و اعرابیان است و سلاح بیدار است چون برگرفتی در حال کار توان است.

عساکر غوری دو نوع سلاح داشتند: یکی آلات دفاعیه و دیگری سلاح تهاجمی بود، آلات ایشانرا وسایل ذیل تشکیل میدهد:

اول- زره: که از حلقه های آهنین ساخته می شد و در روز های جنگ مانند پیراهن در بر می شد و به این ترتیب از ضربات شمشیر و غیر سلاح جلو گیری می نمود.

دوم- جوشن: که از حلقه های تنگ و آهن با هم ساخته می شد و مانند نیم زره بود و به قسم نیم تنه بود، پوشیده می شد.

سوم - خود: (خول) از آهن سخت ساخته می شد و در زمان جنگ مانند کلاه بر سر گذاشته می شد و سر را در برابر تیر و نیزه و بعضی اوقات در برابر شمشیر دشمن محافظت میکرد.

چهارم- کاروه: در جمله آلات و وسایل دفاعی غوری ها کاروه اهمیت بسزا داشت، طرز ساختمان این آله در طبقات ناصری چنین تذکر رفته است: «ولشکر غوری را ترتیبی است که در استعداد جنگ پیاده که چیزی می سازند از یک تا خام گاو بر هر دو و روی پنبه بسیار و کرباس منقش در کشتند و بشکل تخته نام آن سلاح (کاروه) باشد و چون پیادگان غور بر کتف نهاد از سر تا پای ایشان تمام پوشیده شود و چون صف زنده مانند دیواری باشد و هیچ سلاح از بسیاری پنبه در آن کار نکنند چون...»

سلاح تهاجمی غوری هارا تیر و کمان، تیغ، نیزه، شمشیر دشنه، شمشیر هندی، نیزه خطی، گرز گاو سر، ناچخ، تیر زین، خنجر، حربه، سنگ، فلاخن، عمودی بیست منی و منجیق تشکیل میداد.

سلاح و آلات حربی فوق بصورت عمومی در غور با استفاده از فلزات استخراج شده از معادن سر شار آن به نوعالی و شیوه ی خاصی ساخته می شد. مؤلف کتاب آداب الحرب والشجاعه راجع به انواع سلاح های قدیم و اینکه استعمال آن مربوط به کدام طبقات جامعه است مطالب دلچسپی تحریر داشته است، که ذکر آن اینجا با موضوع مورد بحث ما بی ارتباط نیست.

محمد بن منصور بن سعید ملقب مبارکشاه مؤلف کتاب

مؤرخ مذکور در جای دیگر می نویسد: «بسیار هدیه از زره نقره و سلاح بدادند» در قسمت دیگر می نگارد: «امیر مسعود فرمود تا منادی کردند، مال، سیم، زره بسیار سلاح از هردست بدرخیمه آوردند و آنچه از آن بکار آمده تر بود خاصه برداشتند و دیگر بر لشکر قسمت کردند.» همین طور در جای دیگر می نویسد: «وبه مارآباد (ماروای امروزی) که ده فرسنگی از شرق هرات است، بسیار هدیه و سلاح از آن غوریان که پذیرفته بودند، تا قصد ایشان کرده نیاید در پیش آوردند.»

مؤرخ دیگر وطن قاضی منهج السراج جوزجانی نیز در موارد متعددی از سلاح غوریان نام می برد چنانچه می نویسد:

«و ترمز کردی و آنچه خراج و سلاح مقرر بود باز داشتی» جای دیگر می نگارد: «وهر سال از جنس سلاح و جوشن وزره و خود و آنچه معهود بود، مقرر گشته بود و بخدمت در گاه سنجر آمدی باز گرفت.»

بر علاوه اینکه غوری هاسلاح را به جهت بهترین تحفه به دربار شاهان می فرستادند، مالیات ایشانرا که بدولت های دیگر پرداخته اند نیز سلاح مختلفه تشکیل میدهد، مثلاً مالیاتی که دولت غور به غزنه می پرداخت، جوشن، زره خود جنگی و غیره بود.

علماء و مستشرقین از شهرت اسلحه سازی غور و توانایی شان در استعمال این آلات اتفاق نظر دارند، از جمله راوتری در ذکر امارت محمد بن سوری یاد آور می شود که غور در آن عهد در تولید اسلحه و آلات حربی شهرت داشتند.

از عوامل مهم که باعث ترقی و انکشاف صنعت اسلحه سازی غور شده بود، یکی منازعات و جنگ های داخلی در خود غور بود که امرای محلی با همدیگر در رقابت و سلحشوری بسر می بردند و همواره بین قبایل مختلفه جنگ و ستیزه دوام داشت، بعد از ظهور اسلام این خصومت بین مناطق مسلمان و غیر مسلمان آن شدت بیشتر گرفت و دیگر اینکه غوری ها از ابتدای سلطنت خود تا سقوط کامل غور در (۶۱۲) هجری همواره با دولت های مختلفه مانند: غزنه، غزها، سلجوقیان هندوستان و خوارزم شاهیان در جدال و کشمکش های حربی بودند، لذا عوامل فوق باعث شد تا ایشان در فن ساختن سلاح و آلات جارحه توجه جدی داشته و در این ساحه ابتکاراتی بخرج دهند.

پروفیسور عزیز احمد پنجشیری در جغرافیای تاریخی غور راجع به صنایع عصر غوری ها می نویسد: از جمله صنایع قدیمه ی غور چهار رشته ی آنرا که عبارت باشد از: صنعت ساختن سلاح، ضرب مسکوکات، فلز کاری و صنعت معماری. این چهار رشته عمده در غور تاریخی و سر تا سر امپراطوری آن شهرت زیاد داشت، مؤرخین و جغرافیه نگاران در آثار خویش همواره ازین ترقی و انکشاف صنعتی غور به کرات ذکر نموده اند. برای معرفی بیشتر صنعت آن زمان غوری ها این چهار رشته عمده را به معرفی میگیریم:

۱- صنعت ساختن سلاح

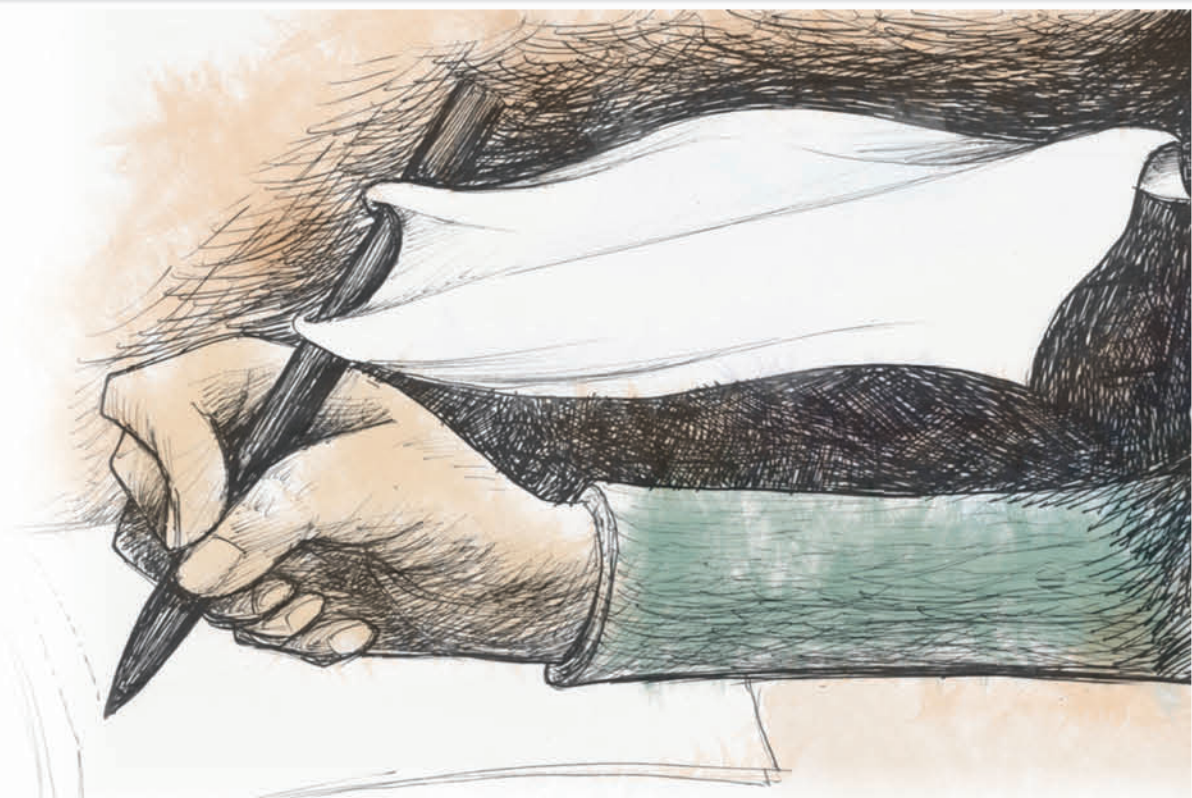
به استناد اکثر کتب تاریخی و جغرافیایی به صراحت گفته می توانیم که غور قدیم در فلز کاری و ساختن اسلحه و آلات جارحه، حربی نه تنها در افغانستان آنروز، بلکه در تمام آسیای وسطی شهرت زیادی داشت، هم چنانکه غور در ساحه صنعت عمرانی دارای روش و سبک خاص و ممتازی بود در این رشته صنعت نیز دارای روش و اسلوب خاصی بوده، ابتکار زیادی بخرج میدادند، ترقی و پیشرفت اسلحه سازی غور همزمان با تأسیس امپراطوری غوری نبود، بلکه این شهرت را مدتها قبل از تأسیس امپراطوری خویش کسب کرده بود و بهترین سند برای مآدر این باره موجودیت اولین اثر ارزشمند جغرافیایی یعنی حدوالعالم می باشد که در سال ۳۷۲ هجری برشته ی تحریر درآمده است، حدوالعالم در این مورد نوشته است:

«غور ناحیتیست اندر میان کوه ها و شکستگی ها و اورا پادشاهیست که غور شاه خوانند، اورا قوتش از امیر گوزگانان است، و اندر قدیم این ناحیت غور همه کافران بودند و اکنون بیشتر مسلمانان اند و ایشانرا شهرک هاوده ها بسیار است و ازین ناحیت برده وزره و جوشن و سلاح ها نیکو افتد.»

در تاریخ بیهقی چندین جا ذکر از سلاح حربی غوری ها رفته است، در یکجا ضمن شرح واقعات شهزاده مسعود بر غور و پیوستن ابوالحسن خلف به مسعود می نگارد:

«... و این روز ابوالحسن در رسیدن لشکر های انبوه، آراسته چنانچه گفتندی سه هزار سوار و پیاده بود و پیش آمد و خدمت کرد و بسیار هدیه نثار آورده بود از سپرو زره و نقره و سلاح بدادندی.»

- ۱- بکران محمد نجیب، جهان نامه به کوشش داکتر محمد امین ریاحی تهران ۱۳۴۲ ص ۵۹
- ۲- حدوالعالم، ترجمه پوهاند میر حسن شاه فاکولته ادبیات و علوم بشری سال ۱۳۴۲
- ۳- سیف زی، شهزاده، مدنیت غوری در افغانستان فاکولته ادبیات و علوم بشری سال ۱۳۵۵ ص ۴۰
- ۴- مبارک شاه، محمد، آداب الحرب والشجاعه به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی - خوان سازی. تهران سال ۱۳۴۶ ص ۲۶۰-۲۶۳



ارزشمندی قلم و خواندن

سید محمد رفیق نادم

عملی کن و بدان پروردگاری که ترا به خواندن دستور داده او کریمی است که هیچ کس به اکریمی او همسری نماید از کرم اوست که بتو امکان میدهد بخوانی در حالیکه تو ناخوان هستی پروردگار تو به وسیله قلم به انسان نویسنده‌گی و دانش آموختگی.

واقعیت انکارناپذیر است که علوم بصورت عام اخلاق و هنر توسط قلم مانده‌گار گردیده، اگر قلم نمی بود از داشته‌های دانشمندان تجارب آداب و افکارشان به هیچ وجه به جامعه منتقل نمیگردید، دعوت جدی خداوند در خواندن و نوشتن بیان حقیقت مسلم است که این دو پدیده بسیار بزرگ از رحمت پروردگار نصیب انسانها گردیده در حالیکه هیچ معلومات بدست نداشتند و نمی دانستند.

حال با درک موضوع و اهمیت قلم لازم می افتد تا صنعت کتابت را به حد اعلی آن بیاموزیم و برای ضرورت های زندگی از آن استفاده اعظمی نمایم، تاکید میگردد تا هر فامیل به مجرد آماده شدن اطفال شان در علم آموختن و نوشتن را برای آنها توصیه نمایند نه تنها توصیه نمایند بلکه به حکم یک وجیبه بالای شان تحمیل نموده که از اشد ضرورت های زندگی است و اوصاف میباشند پسندیده و حمیده .

خداوند در قرآن عظیم الشان در بعضی چیزها سوگند یاد کرده منجمله در قلم، درهرشی که خداوند قسم یاد کرده علامه بزرگی آن است، خداوند در آیه اول سوره قلم میفرماید ترجمه :

« سوگند به قلم و آنچه مینوسد» یعنی مردم به وسیله قلم مینوسند، از علوم و معارف از شناخت حق، نه مطلق نوشتن سوگند به قلم و علوم که به وسیله قلم نوشته میشود اشاره و دلالت بر این است که این دو نعمت بعد از نعمت علم نطق و بیان از اعظم ترین نعمت ها برای انسان میباشد، در حدیثی آمده اولین چیزی که خداوند

از جمله نعمت های بسیار پر بها، ارزشمند، قابل قدر و موثر در حیات کتله های وسیع بشر از زمان های بسیار دور تا کنون قلم بوده است و خواهد بود هرگاه طور مختصر و فشرده فواید قلم را در نظر بگیریم نتیجه چنین است که تمام کتب و رساله ها، مقولات و آثار ماندگار هنرمندان تمام رشته معمول بخصوص؛ نوشتن کتب تاریخ، حکایات، قصص تحریر اشعار، نصایح و هزارها موضوع دیگر همه و همه توسط قلم صورت، گرفته قلم در جهان خوبترین و ارزشمندترین ابزار تا در تأمین روابط و نقل و انتقالات مسایل و رویدادها در فواصل نزدیک بوده و بیانگر مترجم صادق آرزوهای نسل بشر در تمام ادوار تاریخ میباشد، اگر دقت شگرف و عمیق شود قلم در بقا و رشد دین و ایدولوژی های معمول مؤثریت های بخصوصی داشته آیات قرآن کریم در وقت نزول به اساس هدایت رسول خدا (ص) توسط کاتبین وحی ذریعه قلم نگارش میافت، برای اینکه آیات قرآن دچار مغالته نشود و در حفظ سهو و اشتباهات بعمل نیاید رسول خدا از بین صحابه، نویسنده چهل تن به حیث کاتبین وحی تعیین کرده بودند، اساس گذاری اسلام را از آغازین روزها به خواندن صورت گرفته برای ثبوت موضوع آیات اول الی پنجم سوره علق را طور ترجمه میآوریم، در رابطه به علم خداوند رسول معظم را چنین دستور میدهد:

« بخوان بنام پروردگارت که آفرید تو را و خلق کرد انسان را از علق، بخوان پروردگار تو کریم ترین کریمان است و کسی است که آموخت انسان را به وسیله قلم، آنچه را که انسان نمیدانست به او آموخت»

خداوند برای حضرت محمد در حالیکه برایش معلوم است که نه خواندن میداند و نه نوشتن امی محض است میفرماید: « بخوان به معنی این است که قدرت خواندن را بتو میدهم اشاره بر این است ذاتی که کائنات را آفریده است اعطاء نعمت خواندن و نویسنده‌گی برای تو در نزدش بیسار سهل است آنچه را که از خواندن دستور داده ایم

آفرید قلم بود پس از آن «ن»، یعنی دوات را آفرید سپس به قلم فرمود بنویس آنچه را که از عمل، اثر، رزق و اجل برای انسان روی میدهد، قلم آنچه را که از همان روز تا روز قیامت رخ میدهد نوشت .

قابل ذکر است در زمان حاضر به برکت رشد فرایند علم و تخنیک علاوه بر قلم ماشین های متنوع تحریر به جامعه تقدیم گردیده که باعث رفاهیت مردم میباشد، البته در جاهای که برق وجود دارد استفاده بیشتر صورت میگیرد ولی قلم هنوز در جایگاه خاص قرار دارد، در اطراف و اکناف که برق ندارند از قلم استفاده میکنند، طفل که به نوشتن روی میاورد بدون قلم نمیتواند کتابت را بیاموزد، از هر وسیله ای که برای نوشتن استفاده میشود قلم است قلم تا اکنون در سطح جهان کاربرد آن بیسار زیاد است و از جمله میثاق ها قرار داده‌ها، تعهدات در بین ملل توسط قلم امضاء میشود و اسناد و معاملات بین مردم و دولت توسط قلم امضا میگردد.

خداوند عزوجل در آیه (۲۸۳) سوره بقره چنین دستور میدهد، ترجمه : « ای مؤمنان اگر تا میعاد معین و مقرر همراه یکدیگر بطور قرض معامله میکردید، آنرا بنویسید» مسلماً در معاملاتیکه سند تحریری بمیان می آید، امضای مقروضه در آن گرفته می شود، حکمت این فرموده خداوند مفید و مؤثر و قابل فهم است، به این معنا زمانیکه در معاملات سند ترتیب میگردد، مقروضه آنرا امضا می نمایند، از انکار مقروضه انواع تخلف، جعل و تدویر جلوگیری بعمل می آید، احیاناً اگر بوجود آید، بجای نمی رسد ، زیرا دستگاه های عدلی و قضایی را با موجودیت چنان سند نمی تواند قانع سازد، بدون شک ارزشمندی قلم

بخوبی قابل درک است، کاربرد آن در معاملات تضمین کننده صحت معاملات می باشد.

باتأسف از قلم این موجود، تبرک و ذینفع تا هنوز تمام انسانهای روی زمین استفاده کرده نتوانسته، بخصوص جوامع عقب مانده و محکوم دست زمام داران بی رحم هر انسانیکه از نعمت قلم و نویسنده‌گی محروم است در حقیقت شخصیت معنوی آن ناقص می باشد قلم این گوهر نایاب که یک سوره از سور قرآن به اسم او یاد میشود، ثبوت ارزشمندی آنست انسان می تواند توسط قلم داشته های علمی، ادبی و هنری خود را از گذشتگان راد جامعه انعکاس دهد، بدون تردید معلومات و اطلاعاتیکه از زمانه های گذشته داریم همه محصول قلم است، قلم در نزد خداوند عرش هم گفته شده که نشانه عظمت آنست، به یقین گفته می توانیم که تراوشهای علمی قلم جامعه را از تاریکی های نا محدود، بسوی روشنایی های بی انتها راهنمایی می نماید، قلم است که پرده های ظلمت سرای جهل و نادانی را از هم دریده، دریچه های نور و معرفت، خوبی و سعادت را بروی جامعه می گشاید.

هرگاه در جهان بشریت قلم وسایر وسایل نوشتاری نمی بود، انسانهای امروزی از حادثات، رویداد های تاریخی و سرگذشت انسانهای قدیم و نحوه زندگی شان آگاهی حاصل نمیکرد، قلم دیروز که سرنوشت بشر را نوشت و بدست قدرت خداوند قرار داشت و قلم امروز که بدست انسانها قرار دارد، هر دو وسیله تحریر است، با تفاوت اینکه فهم نوشتار دیروز برای بشر ممکن نیست، اما نوشتار امروز از قبیل قرآن، احادیث، علوم، آثار دانشمندان و روش عارفان قابل فهم می باشد.

از دستم نرفت رفت و دامن نومییدی عمر

بیدل

ساز من آزادگی، آهنگ من آوارگی
از تعلق تار نتوان بست قانون مرا
هر رفت و دامن نومییدی از دستم نرفت
ناز بسیار است بر من بخت و آژون مرا
بسکه ولادت کرده است آزاد، مینون مرا
لفظ نتواند کند زنجیر، مضمون مرا
در سر از شوقی نمی‌گنبد گل سوادای من
خم لبابی می‌کند شور فلاتون مرا
داغ هم در سینه ام بی‌بهرت دیدار نیست
پیشم مینون نقش یا بوده است هامون مرا
کو دم تیغی که در عشرت گه انشای ناز
مصرع رنگین نویسد مویله خون مرا
ساز من آزادگی، آهنگ من آوارگی
از تعلق تار نتوان بست قانون مرا
از لب خاموش توفان جنون را سالخام
این لباب بی‌نفس یل بست جیون مرا
هر رفت و دامن نومییدی از دستم نرفت
ناز بسیار است بر من بخت و آژون مرا
داغ یا سم ناله را در حلقه میرت نشانده
طوق قهری دام ره شر سوزون مرا
عشق می‌بازد سراپایم به نقش عجز خویش
فاکساره است لازم بید مینون مرا
خافلم بیدل زگرد ترک‌آزبهای حسن
می‌دام خط تا کند فکر شبینون مرا



رفت

نجوای مولوی عثمان غوری

وای کاین کنیای فانی تند و چالان کشت و رفت
صد هزاران کس کال پرکرد، ارمان کشت و رفت
اغتیا و زورمندان با هزاران آرزو
کسبت های شان تھی از کاخ ایران کشت و رفت
بینوایان کمتر از لذات کنیا خورده اند
عیش کنیا پیش شان ناچیز ارزان کشت و رفت
پس چرا کال بسته باشی با کم و بیش جهان
ای جفا پیشم بتو صد نیش بر جان کشت و رفت
هر که آمد اندرین ماری پر چال و فریب
پای او لغزید کرک کال پنجهان کشت و رفت
آفرین بر صابری کاز نقد فانی کال برید
رو بسوی کار فانی کرد، بیجان کشت و رفت
روز و زرکاری نمی آید که باشد معتبر
حال امکندر شنبوی خانه خان کشت و رفت
کی رسد روزیکه خلتان بر محمل غم خورند
کان تھی امت از عمل خاطر پریشان کشت

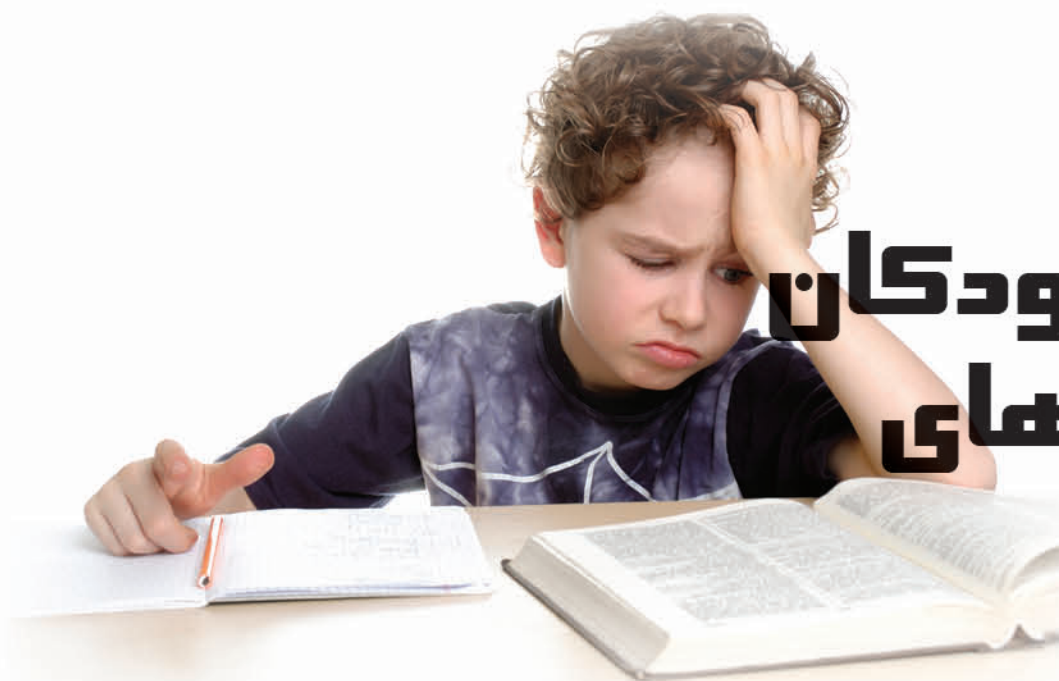
نادر نادر پور در قطعه «نقاب و نماز»

حصار حتی ام از حول نیتی پر بود
هوار حرت ایام بر سرم می ریخت
ومن چون برج خراب از هراس ریزش خویش
بزیر سایه و نیان پناه می بردم

دهان پنجره از مژده سحر پر بود
سپه از رحم تنگ تیرگی میزاد
من از غروب به سوک سپه می‌اندم
وب صدای خروسان، نماز می خواندم

کودکان سر درد های انواع

فاطمه غلامی



کودکان هم مانند بزرگسالان ممکن است دچار انواع سردردها شوند اما شایع ترین سردردها در بین کودکان، مربوط به سردردهایی میشود که بر اثر ابتلا به بیماری های عفونی ایجاد میشود، همچنین سردردهای میگرنی و سردردهای تنشی نیز در بین کودکان شایع می باشد. سایر انواع سردرد که با شیوع کمتری در کودکان دیده میشود عبارتند از سردردهایی که بر اثر ضربات وارده بر سر ایجاد میشود، سردردهایی که همراه با سرگیجه و به ندرت سردردهایی که به علت وجود تومور مغزی ایجاد میشود. این سردرد ها هر کدام دارای ویژگی های خاص خودشان هستند و میتوان آنها را از سردردهای خوش خیم عود کننده مثل میگرن تشخیص داد.

میگرن در کودکان:

همانند بزرگسالان، هیچگونه آزمایش تشخیصی برای پی بردن به میگرن در کودکان وجود ندارد و تشخیص تنها بر اساس شرح حال بیمار و معاینه بالینی صورت میپذیرد. میگرن در خانم ها بسیار شایع تر از آقایان است اما در بچه ها در سنین قبل از بلوغ، در پسرها و دخترها به یک اندازه شایع میباشد و حدود ۲/۵ درصد پسرها و دخترها به میگرن مبتلا هستند. با این حال در سن یازده سالگی تعداد مبتلایان دختر افزایش زیادی نسبت به پسران دارد. همچنین در سنین ۱۳ تا ۱۵ سالگی تعداد مبتلایان دختر بسیار بیشتر از مبتلایان پسر خواهد بود. در تحقیقی که در بچه های هفت ساله مبتلا به میگرن صورت گرفته است مشخص گردیده که میانگین سن اولین حمله میگرنی آنها در چهار و نیم سالگی بوده است.

ویژگی های میگرن در کودکان:

میگرن در کودکان تفاوت خیلی زیادی با بزرگسالان ندارد، اما حملات میگرن در کودکان کوتاه تر است و اغلب

عوامل شروع کننده و برانگیزاننده میگرن در کودکان :

عوامل شروع کننده میگرن در کودکان شامل تمرینات ورزشی، نورهای درخشان و شدید، سروصدا، بیخوابی، گرسنگی (مثل نخوردن صبحانه)، سرما و هیجانات (مثلا نزدیک شدن روز جشن تولد) میباشد. این عوامل تقریبا همان هایی هستند که در بزرگسالان هم وجود دارد.

درمان میگرن در کودکان:

بهترین درمان در کودکان همانند بزرگسالان، جلوگیری از بروز حملات با کاهش عوامل شروع کننده می باشد. کودکان باید قبل از رفتن به مکتب، یک صبحانه خوب و کامل بخورند. بسیاری از والدین می ترسند که سردرد کودکشان ممکن است به علت وجود تومور مغزی در آنها باشد. با اینکه تومور مغزی در کودکان بسیار نادر می باشد اما برای اینکه خیال والدین هم راحت شود میتوانند با مراجعه به متخصص مغز و اعصاب بررسی های بیشتری در این مورد انجام دهند، وقتی نیاز به درمان دارویی پیدا شود باید حداقل مقدار داروی لازم به کودک داده شود. اگر مشکل اصلی کودک تهوع و استفراغ می باشد داکتر می تواند داروهای ضد تهوع مثل متوکلوپرامید برای او تجویز نماید. در صورتی که این دارو

برای کودک تجویز شود، داکتر باید به والدین در مورد بروز حرکات جهشی و غیرارادی که از عوارض جانبی این دارو است هشدارهای لازم را بدهد. در صورت بروز این علائم از مصرف این دارو باید خودداری کرد و به داکتر اطلاع داده شود. مصرف قرص های آسپرین در کودکان زیر ۱۲ سال توصیه نمی شود. زیرا ممکن است باعث بروز بیماری ای به نام سندرم ریه شود که باعث اختلال در کبد و کلیه های کودک می شود. در صورت درمان مناسب حملات میگرنی در کودکان، به ندرت نیاز به مصرف داروهای بطور روزانه جهت پیشگیری از میگرن پیدا می شود، مگر اینکه سردردها واقعا شدید باشند.

سردردهای تنشی در کودکان:

سردردهایی که بر اثر انقباض و گرفتگی عضلات ایجاد میشوند ممکن است در کودکان هم دیده شوند و نسبتا در نوجوانان شایع میباشد. این سردردها ممکن است هر روز رخ دهند. طول مدت این سردردها ویژگی خاصی ندارند و میتواند از کمتر از یک ساعت تا تمام روز طول بکشد. سردردهای تنشی را معمولا به راحتی میتوان از میگرن در کودکان تشخیص داد. در سردردهای تنشی هیچگونه علائم پیش درآمد دیده نمی شوند و کودک دچار تهوع یا استفراغ نمی گردد. همانند میگرن، برای تشخیص

سردردهای تنشی هیچ آزمایش خاصی وجود ندارد و فقط با گرفتن شرح حال بیمار و انجام معاینات بالینی باید به تشخیص صحیح آن دست بیابیم.

درمان سردردهای تنشی کودکان:

در مواردی که تشخیص سردرد تنشی برای کودکان داده میشود، باید به خاطر داشته باشید که داروهایی که برای میگرن استفاده میشوند را نمی توان برای این سردرد هم استفاده کرد (البته به غیر از مسکن هایی مثل استامینوفن یا آسپرین). مهمترین کار در درمان سردردهای تنشی، پیدا کردن علت ایجاد بیماری است که اغلب به علت مشکلات خانوادگی ایجاد می گردد. ممکن است که کودک از این سردرد برای جلوگیری از مواجه شدن با بعضی مشکلات ناخوشایند استفاده کند مثلا برای اینکه از مکتب رفتن خودداری کند. این دلایل باید به دقت شناسایی شوند.

منبع :

نام کتاب: راهنمای پزشکی خانواده،
میگرن و انواع سردردها
تالیف: پروفیسور ماریا ویلکینسون
ترجمه: دکتر فرهاد همت خواه



حقوق اساسی شهروندان براساس قانون اساسی و دساتیر قرآن

مدیریت ماهنامه

برخود واجب گردانیدم، پس شما هم به یکدیگر ظلم روا مدارید.
از سیره بن هشام نقل است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود:
« همه تان فرزندان آدم هستی و آدم از خاک پدید آمده است و
عرب را برعجم و سفید را برسپاه و سیاه را بر سفید برتری نیست
جز تقوی »

پشینیان شما نابود شدند به سبب که به مساوات حکم نمی کردند
هرگاه یک نفر از سردمداران دزدی میکرد، او را می نمودند و هرگاه
فرد ضعیفی دزدی میکرد مجازاتش می نمودند (حدیث ۴ بخاری)»

قوانین اساسی بعضی از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی

قانون اساسی اسپانیا

ماده ۱۴

کلیه اسپانیوی ها در برابر قانون یکسان هستند، بدون آنکه محل
تولد، نژاد، جنس، مذهب، عقاید و دیگر مسایل شخصی و اجتماعی
سبب امتیاز و تبعیض گردد.

قانون اساسی الجزایر

ماده ۲۹

کلیه اتباع بدون هیچگونه تبعیضی به لحاظ تولد، نژاد، جنسیت
اعتقاد یا در هر شرایطی یا موقعیت شخصی یا اجتماعی دیگر در مقابل
قانون باهم برابر اند.

قانون اساسی ایران

فقرات ۹ و ۱۴ ماده ۳

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف
مذکور در ماده دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد:

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام
زمینه های مادی و معنوی.

۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی
عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

قانون اساسی افغانستان یکی از قوانین عالی در سطح منطقه بوده
که با اکثر قوانین کشورهای جهان همسانی داشته بروفق آیات
متبرکه کلام الله مجید و احادیث پیامبر اسلام (ص) تدوین گردیده
است، بخاطر تثبیت حقوق اساسی شهر وندان خواستیم پروگرام
اول ماده (۲۲) قانون اساسی افغانستان را مورد مطالعه دوستان و
خوانندگان شناسنامه قرار دهیم، تا باشد در زمینه برای کاو شگران
که بعضی اوقات قانون را مورد نقد قرار میدهند، قناعتی فراهم گردد.

پاراگراف اول ماده (۲۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان :
« هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است »

مصادیق اسلامی این پروگرام به قرار آتی :

آیه ۱۴ سوره حجرات : ترجمه : در حقیقت ارجمند ترین شمانزد
خدا، پرهیز گارترین شماست، بی تردید خداوند دانای آگاه است.

بهمین منوال آیه (۱۳۵) سوره نساء ترجمه : « ای کسانی که ایمان
آورده اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید
هر چند بزبان خود تان یا (به زبان) پدر و مادر و خویشاوندان (شما)
باشد، اگر (یکی از دو طرف دعوا) توانگریا نیاز مند باشد، باز خدا به
آن دو (از شما) سزاوار تر است، پس از پی هوس نروید که در نتیجه از
حق عدول کنید و اگر به انحراف گرائید، یا اعراض نمائید، قطعاً خدا
به آنچه انجام میدهد آگاه است.

همچنین این پروگرام قانون اساسی به قسمت از آیه مبارکه (۸)
سوره ی مائده که میفرماید . ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده
اید برای خدا به داد برخیزید و به عدالت شهادت دهید و البته نباید
دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که
آن به تقوا نزدیک تر است. بهمین منوال آیه (۴) سوره قصص حکم
می کند که : ترجمه : فرعون در سر زمین مصر سر برافراشت و مردم
آنها طبقه طبقه ساخت، طبقه ی از آنان را زبون میداشت، پسران
شانشان را می برد و زنان شان را برای بهره کشی زنده برجای میگذاشت
که وی از فساد کاران بود.

احادیث شریف

ابی کعب از پیامبر (ص) پرسید که اگر مردی قوم خود را دوست
بدارد، عصبیت است؟ حضرت (ص) که سرشار از حکمت بود، فرمود:
« خیر؛ عصبیت آنست که مرد قوم خود را در ظلم کمک کند.»

حدیث قدسی: خداوند (ج) میفرماید: ای بندگانه، من عدالت را



ماده ۱۹

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق
مساوی برخوردارند و نژاد، زبان و مانند اینها
سبب امتیاز نخواهد بود.

قانون اساسی تاجیکستان

ماده ۱۷

همه افراد در برابر قانون و محکمه با هم برابر اند
دولت با همه افراد قطع نظر از ملت، نژاد، جنس
زبان، اعتقادات دینی، موقعیت سیاسی، وضعیت
اجتماعی، دانش و علوم، اموال، حقوق و آزادی
های آنها را تضمین می کند. مردان و زنان برابر
حقوقند.

قانون اساسی کوریا

ماده ۱۱

تمام اتباع در برابر قانون مساوی اند و هیچگونه
تبعیضی به لحاظ جنس، مذهب یا وضعیت
اجتماعی در زندگی سیاسی، اقتصادی یا
فرهنگی افراد وجود نخواهد داشت.

هیچ طبقه ی ممتازی به رسمیت شناخته نمی
شود و تحت هیچ عنوانی ایجاد نمی شود.

اعطای نشان یا عناوین افتخاری فقط برای
دریافت کننده معتبر بوده و امتیازی در بر ندارد.

قانون اساسی سوئیس

ماده ۴

همه مردم سوئیس در برابر قانون مساوی هستند
در کشور سوئیس برده داری وجود ندارد و
موقعیت جغرافیایی، نژاد افراد یا خاندانها دارای
برتری نیستند.

زن و مرد در حقوق باهم برابر بوده و قانون امکان
برابری، بویژه در زمینه خانواده، تعلیم و کار
رافراهم می آورد، زنان و مردان برای انجام کار
یکسان از دستمزد مساوی برخوردارند.

قانون اساسی جاپان

ماده ۱۴

کلیه مردم در برابر قانون یکسان بوده و هیچگونه
تبعیضی در روابط سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی
از حیث نژاد، آئین، جنسیت، موقعیت اجتماعی
و اصالت وجود نخواهد داشت، اشراف و طبقه
اشرافی برسمیت شناخته نمی شوند.

دارا بودن افتخار و مدال و لقب موجب هیچگونه
امتیازی نخواهد بود، اینگونه افتخارات که اعطا
شده یا خواهد شد. صرفاً در زمان حیات دارنده
گانه آنها اعتبار دارد.

قانون اساسی سوریه

فقره ۳ ماده ۲۵

اتباع کشور از حیث حقوق و تکالیف در برابر
قانون برابرند.

ماده ۷

تمامی مردم لبنان در قبال قانون باهم برابر می
باشند، آنها همچنین از حقوق مدنی و سیاسی
یکسان برخوردار بوده یک میزان مسئولیت ها
و وظایف عمومی را بدون هیچ تبعیضی عهده
دارند.

قانون اساسی عراق

ماده ۱۴

عراقی ها بدون هرگونه تبعیض براساس
جنسیت، نژاد، قومیت، اصل، رنگ، دین
مذهب، اعتقادات اندیشه یا اوضاع اقتصادی و

اجتماعی در برابر قانون برابر هستند.

ماده ۱۶

حق برابری فرصتها برای همه عراقی هاتضمین
شده است و حکومت اقدامات لازم برای
این امر را برعهده دارد.

ماده ۱۶

حق برابری فرصتها برای همه عراقی هاتضمین
شده است و حکومت اقدامات لازم برای
این امر را برعهده دارد.

قانون اساسی آلمان

فقره ۳ ماده ۳

همه افراد در مقابل قانون برابر اند.

مردان و زنان حقوق متساوی دارند.

هیچکس را بمناسبت جنس، پدر و مادر، نژاد
زبان، کشور محل اصلی تولد، ایمان یا عقاید
مذهبی و سیاسی نمی توان مورد رفتار مادون یا
مرجع قرار داد.

قانون اساسی مصر

ماده ۸

حکومت موظف است که تساوی و برابری را
برای همه مردم مصر تضمین نماید.

ماده ۴۰

تمامی اتباع در مقابل قانون مساوی هستند
آنها بدون توجه به جنسیت، مذهب، زبان یا نژاد
دارای حقوق و تکالیف عمومی مساوی هستند.

استفاده از: مرجع مقایسه ی حقوق اساسی
اتباع: نجیب الله عزیزی



اهمیت خواب ویا خوابیدن

مدیریت ماهنامه

خواب از جایگاه بسیار مهمی در زندگی ما برخوردار است، اما در واقع ما از این مطلب طوریکه بایسته است اطلاعی نداریم حقیقت این است که این پدیده باید مورد توجه کامل ما باشد، اما متأسفانه به ندرت اتفاق می افتد، شاید به این دلیل که خواب نیز مانند هوایی که تنفس میکنیم وچندان توجهی به آن نداریم زیرا رایگان است.

اهمیت استثنایی خواب، علی الرغم اینکه ما به آن بی توجه هستیم واز هر زاویه ی که آنرا مورد بررسی قرار دهیم، از هر جنبه ی زندگی که به آن مربوط می شودبگیریم، یک واقعیت است، بنابر این مسلماً ما از بهبود بخشیدن خواب خود سود بسیاری خواهیم برد زیرا توجه به این مسئله حقیقتاً زندگی ما رامتغیر می سازد، حتی افرادیکه خوب می خوابند نیز می توانند به نحو محسوسی خواب خود را بهبود بخشند.

خواب از دیدگاه قرآن ؛ حقیقت خواب چیست؟ و چه می شود که انسان به خواب می رود؟ در این باره دانشمندان بحث های فراوانی دارند: بعضی آن را نتیجه انتقال قسمت عمده خون از مغز به سایر قسمت های بدن می دانند و به این ترتیب برای آن عامل فیزیکی قائلند. بعضی دیگر عقیده دارند که فعالیت های زیاد جسمانی سبب جمع شدن مواد سمی مخصوصی در بدن می شود و همین امر روی سیستم سلسله اعصاب اثر می گذارد و حالت خواب به انسان دست می دهد و این حال ادامه دارد تا این سموم تجزیه و جذب بدن گردد، به این ترتیب عامل کیمیایی برای آن قائل شده اند. جمعی دیگر یک نوع عامل عصبی برای خواب قائلند و می گویند: دستگاه فعال عصبی مخصوصی که در درون مغز انسان است و مبداء حرکات مستمر اعضا می باشد بر اثر خستگی زیاد از کار می افتد و خاموش می شود.

ولی هیچ یک از این نظرات نتوانسته است پاسخ قانع کننده ای به مسئله خواب بدهد، هر چند تأثیر این عوامل را به طور اجمال نمی توان انکار کرد؟ ما فکر می کنیم چیزی که سبب شده دانشمندان امروز از بیان تفسیر روشنی برای مسئله خواب عاجز بمانند همان تفکر مادی آنها است، آنها می خواهند بدون قبول اصالت و استقلال روح این مسئله را تفسیر کنند، در حالی که خواب قبل از آنکه یک پدیده جسمانی باشد یک پدیده روحانی است که بدون شناخت صحیح روح تفسیر آن غیر ممکن است.

قرآن مجید در آیه ۴۲ سوره زمر که می فرماید: «**ترجمه** :

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد، سپس ارواح کسانی را که فرمان مرگ آنها را صادر کرده نگه می دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می گرداند تا سرآمد معینی، در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که تفکر می کنند. دقیق ترین تفسیر را برای مسئله خواب بیان کرده، زیرا می گوید خواب یک نوع قبض روح و جدایی روح از جسم است اما نه جدایی کامل.

به این ترتیب هنگامی که به فرمان خدا پرتو روح از بدن برچیده می شود و جز شعاع کم رنگی از آن بر این جسم نمی تابد، دستگاه درک و شعور از کار می افتد و انسان از حس و حرکت باز می ماند، هر چند قسمتی از فعالیت هایی که برای ادامه حیات او ضرورت دارد، مانند ضربان قلب و گردش خون و فعالیت دستگاه تنفس و تغذیه ادامه می یابد.

وبرای کسانیکه خوب نمی خوابند، این تغیر واقعاً بصورت یک انقلاب درزندگی شان تأثیر میگذارد، ببینیم خواب از نظر کمی چه اهمیتی دارد، آیا آنچه ما در بستریم، خوابیم و یا در شب و روز در یک گوشه قرار گرفته و چشمها را روی هم نموده خوابیدیم؟

جمله ی که بصورت عادی سرزبانهاست « خواب یک سوم اززندگی را تشکیل میدهد» منظور جمله ی مذکور این است که ما بطور متوسط ۲۵ سال از زندگی خود را درخواب بسر می بریم و به همین منوال ۵ سال ازآندرحال رویا دیدن هستیم، به عباره دیگر اگر مدت خواب را در طول زندگی باهم جمع کنیم، حوالی سن ۲۵ سالگی شروع به بیدار شدن می کنیم وبا اینکه کمی پس از سن چهل سالگی تاآخر عمر خود می خوابیم.

واین جمله باز به این معناست که ما بیش از مدتی که بکار کردن می پردازیم در حال خواب هستیم، علی الرغم اینکه تصور می کنیم این کار است که زندگی ما را می سازد، در طول حیات یک انسان ۲۰ تا ۳۰ هزار شب که مجموع مدت آنها بیش از ۲۰۰ هزار ساعت است بخواب اختصاص می یابد یعنی از هر سه ساعت، یک ساعت خواب در برابر دو ساعت بیداری.

آیا این مدت زیاد ارزش آنرا نداردکه این همه شب را خوش آیند ترکنیم ؟ وباز این موضوع به این معناست که از هر سه انسان یک نفربه دلیل چرخش زمین دائماً در حال خواب است، همیشه دربخشی از کره ی زمین خواب وجود دارد، به همال شکلی که همواره در جایی بهاروجود دارد، بنا براین بیش از یک میلیارد وینجصد میلیون نفردائماً در حال خواب اند، خوشبختانه خواب مخصوص یک گروه معین نیست.

اهمیت خواب از نظر کیفی نیز درخور تعمق است، این مسئله نسبت به سایر امور اهمیت بیشتری دارد، به این دلیل که خوب خوابیدن یکی از لذات بزرگ زندگیست و درمقابل بیخوابی با یک زندگی نا خوشآیند، انتظار هائیکه به نظر بی پایان می رسند، انتظار برای تمام شدن خواب یا رسیدن روز در حالیکه دیگران خوابیده اندوخواب پریشان و مملو از کابوس، یا خوابی که دائماً بوسيله بیداری های نا گهانی قطع می شود، همراه است، در این حالت شخص همیشه با ترس به بستر می رود.

و دوم؛ اگرچه خواب تقریباً یک سوم مدت زندگی ما را اشغال کرده ولی کیفیت دو بخش دیگر زندگی یعنی همان دو ساعت بیداری و همان چهل و چند سال باقیمانده زندگی نیز اساساً به کیفیت خواب ما بستگی دارد.

اما در قسمت افراد بدخواب؛ برعکس این اهمیت کیفی و کمی خارق العاده توجه بخواب، مطالعه یک کتاب یا گوش دادن به بحثی در این زمینه، صرفاً یک نوع جذب اطلاعات یا سرگرمی محسوب می شود، البته اگر همه مردم دنیا خوب بخوابند.

در حالیکه چنین موضوعی واقعیت نداشته و نهایتاً بدون اینکه بخواهیم، با کلمات بازی کنیم، می توان گفت؛ جز در موارد استثنایی واقعاً کسی خوب نمی خوابد. بطور متوسط از هر چهار فرانسوی یک نفر دچار بیخوابی است که این نسبت در میان افراد شهر نشین و در تمام شهر های بزرگ خصوصاً پاریس وحومه ی آن به یک نفر از هردونفر افزایش می یابد در نتیجه حدود چهارده میلیون فرانسوی در این گروه قرار میگیرندو این درصد بی وقفه درحال افزایش است.

باید گفت که ارقام ذکر شده تقریبی هستند دلیل تقریبی بودن آنهاتعاریف بی خوابی و بد خوابی بودن است، رایج ترین این تعاریف عبارت است از : « بیخواب بودن به معنای خواب نا کافی داشتن است » میشل ژوه، در این موردمی گوید : « بیخوابی کمبود نسبی خواب است که شخص از آن شکایت دارد» بنابر این تعریف حتا شبه بی خوابها را نیز در بر میگیرد اما به نظر « آلن بسه» روان شناس مرکز خواب پروفیسور«پاسو» در شهر مون پلیه: بیخواب کسی است که از خوابیدن خوداحساس رضائیت نمی کندودر هنگام بیداری سرحال نیست، حال مدت خواب او هر اندازه ی که باشد، هر تعریف که برای کلمه ی بیخوابی قائل شویم باهم این نا راحتی گسترده ترین نا راحتی در فرانسه (مانند بقیه جا ها) می باشد و احتمالاً همین نا راحتی است است که بیشترین آسیب را به بدن انسان رسانده و به ما حق میدهد که حتا آنرا به عنوان « بیماری قرن» بشناسیم، در عین حال کمتر از هر چیز دیگری به آن توجه می شود.

معمولاً هر حیوانی، یک مشکل اصلی دارد، بطور مثال : برای موش مشکل جویدن است، زیرا در غیر این صورت دندان هایش رشد زیادی می کند. برای پرند ه مشکل خوردن است و برای انسانها(همانطوریکه همین اکنون این مشکل برای یک چهارم فرانسوی هاوجود دارد) مشکل باز یایی یک خواب طبیعی می باشد.

این داستان که بیخوابی مختص روشنفکرانی است که کار فکری بیش از حدی دارند، یا رؤسای اداراتی که زیر بار مسؤولیت خرد می شوند، یک

قصه دروغین بیش نیست، آیا میدانید که یک کار گرکار های دستی خیلی بد تر ازیک کارمند عالی رتبه و یا یک پینه دوزکمتر از یک رئیس بانک می خوابد، یکی از دلایل که این موضوع را توجیه می کنند، شرایط و محیط نا مناسب نظیر خانه ی پر سروصدا وغیره است.

همچنین آمار ها نشان میدهد، آنهاثیکه موفق به اخذ مدرک تحصیلی خود نشده اند، خواب بد تر از قدیمی های دانشگاهی دارند، در سن ۲۵ سالگی، تعداد زنان بیخواب دو برابر مردهاست ولی در سن ۵۰ سالگی این رقم مساوی می شود، در واقع همه ما در حالت کمبود خواب بسر می بریم و حتی گاهی اوقات مقدارزیاد بخواب بدهکارهستیم، زیراهمان گونه که در زبان عوام گفته می شود، خواب عقب افتاده ی داریم، تقریباً همه ما بد خواب شده ایم و بد خوابی و بدخواری به عنوان مشکلی برای هریک از ما مطرح است، در مورد غذا خوردن، بیش از حدمیخوریم ولی در مورد خواب، برعکس دچار کمبود هستیم.

ما خواب کافی نداریم، البته نه تنهااز نظر کمی زیرا همانگونه که ادیسون گفته است : « درواقع ما هرگزبزنه درشب خواب کاملی داریم و نه کاملاً درروز بیدار هستیم.»

این واقعیت است که انسان امروزی تقریباً همیشه شب درنوعی حالت نیمه خواب وروز درنوعی حالت نیمه بیداری به سر می برد وتنها از خواب و بیداری سطحی برخوردار است، این حقیقت دارد که ما نه تنهابدخواب هستیم، بلکه « بد بیدار» نیز می باشیم.

انسان مدرن در طول روزسعی می کند، بااستفاده از محرکها با خواب آلودگی خود مبارزه کندوشب علیه بیخوابی از خواب آور هاکار بگیرد، زیرا او روز ها در حالت سستی و بیحالی به سربرده و شبها دچار آشفتگی می شود، در روز بسیار از افراد دائماً بین دو وعده قهوهء خود در همه جا چرت می زنند، یا می خوابند(ریل، میتر و صنف درسی، فاکولته یا اداره، پای تلویزیون یا درسینما) در حالیکه شب بدون هیچ دلیلی از خواب پریده دیگر نمی تواند مثلاً با صدای یک

مگس یا کوچکترین محدودیت بخوابد.

سراپا می خوابیم و دراز کشیده بیدار می مانیم مشکل اصلی برای گروه بزرگی از مردم خوب خوابیدن در شب برای بهتربیدار ماندن در روز می باشد، در صورتیکه بدخوابی و بیخوابی این همه عواقب نا راحت کننده نداشت متأسفانه در اکثر موارد حتی به ذهن مان نمی رسدکه مربوط به آن باشد، بهبود در خواب و حذف بیخوابی نیزدارای ارزش چندانی نبود، بنابر این در مطالب بعدی در این رابطه بیشتر بحث خواهیم کرد.

خلاصه از آنجا که خواب از پدیده های روحی است و روح جهانی است پر از اسرار، عجیب نیست که زوایای این مسئله هنوز روشن نشده باشد، ولی هر چه بیشتر در آن به غور و بررسی می پردازیم به عظمت آفریدگار این پدیده آشنا تر می شویم. در ضمن آیه فوق شباهت و سنخیت خواب و مرگ و ضمنا شباهت و سنخیت بیداری و بعث اخروی- را بیان می کند. خواب، مرگ ضعیف و کوچک است و مرگ، خواب بزرگ و در هر دو مرحله روح و نفس انسان از نشئه ای به نشئه دیگر انتقال می یابد؛ با این تفاوت که در حین خواب، انسان غالباً توجه ندارد و هنگامی که بیدار می شود نمی داند که در حقیقت از سفری بازگشته است، بر خلاف حالت مرگ که همه چیز بر او روشن است.

ماهیت مرگ از نظر قرآن نیستی و نابودی و تمام شدن نیست، بلکه انتقال از نشئه ای به نشئه دیگر است. ماهیت خواب از نظر قرآن هر چند از نظر جسمی و ظاهری تعطیل قوای طبیعت است، ولی از نظر روحی و نفسی نوعی گریز و رجوع به باطن و ملکوت است. مسئله خواب نیز مانند مسئله مرگ از نظر علم از مجهولات است.

آنچه علم در این زمینه می شناسد قسمتی از جریانات جسمانی است که در قلمرو بدن صورت می گیرد.

زیرنویسها :

ناصر مکارم شیرازی- تفسیر نمونه جلد ۱۹- صفحه ۴۸۲-۴۸۴ و جلد ۱۶- صفحه ۴۰۵-۴۰۶

ادامه دارد...



مدیریت ماهنامه

هنر چیست ؟

شیوه گری که در مراحل نخستین به عنوان واکنشی در قبال قواعد کلاسیک (ضد کلاسیک) تناسب، قرینه سازی و مفاهیم عمق نمایی هنر رنسانس مرقی بحساب آمد. در نیمه دوم قرن شانزدهم، نوعی هنر بسیار پیچیده و تزئینی گردید که مورد حمایت در باربان بود، منریست ها به جای الگو گرفتن از طبیعت، استادان هنر رنسانس مرقی و خصوصاً میکلائو پیتر تراشان رومی را سرمشق خود قرار دادند، آنها اعلام کردند، هنر مند حق دارد قواعد را مطابق با میل خود تفسیر کند، به اشکال جنبه آرمانی تری بدهد، آنها فیگور ها را کشیده تر و در پیچ و تاب غیر طبیعی یا از زاویه نا معمول نمایش میدادند، پیکره ها به نحوی غیر طبیعی دراز و گاهی تصادفی و دلخواه رنگ آمیزی می شدند، گویی آنها بجای تعادل بدنبال نا پایداری بودند.

ترکیب بندی های منسجم، محکم و حساب شده رنسانس مرقی در منریسم جای خود را به ترکیب بندی های متزلزل و غیر طبیعی میدهد، ازینرو می توان منریسم رانه در تداوم رنسانس مرقی بلکه در تقابل آن قلمداد کرد، این سبک از ایتالیا به فرانسه و هلند و بعد ها به اسپانیا که در نقاشی های الگرگو (۱۵۴۱-۱۶۱۴) متجلی شدند، منقل شد، پیکره های بلند، دستان ظریف، چهره های باریک که از علایم سبک شخص آل گرگو، ریشه در شیوه گری ایتالیا دارد و در ماهیت معنوی و روحانی نقاشی متلور گردیده است.

لازم است یادآوری گردد که کلمه «شیوه گری» برای وصف شیوه دورانی، بخصوص اصولاً در مورد نقاشی بکار رفته، اما در مورد معماری نیز برخی از ساختمانهای آن دوره اکنون در نظر عموم «شیوه گرانه» شناخته می شود.

چشمگیر ترین آثار معماری منریستی آنهاپی هستند که برای حامیان در باری یا کلیسایی در محدوده سده شانزدهم آفریده شدند جورجو وازاری (۱۵۱۱-۱۵۷۴) در نقاشی استعدادی محدودی داشت، اما در معماری درخشان بود وازکار جولیورومانو نیز تدثیر شگرف پذیرفت و کاخ اوفیستی نموده ی از ساختمانهای است که توسط وازاری به شیوه منریستی ساخته شده است.

منارجام، قطب منار و سازه های که در مسجد شاه مشهد در ولسوالی قادس و لایت بادغیس که اکنون به حکم بیگانگان ویران شده است بیندازیم دیده می شود که هنر مندی و دست هنر مندان غوری معجزه آفریده اند، با تأسف بعضی فرهنگ ستیزی های که درنمای مسجد جامع بزرگ شهر هرات رخ داده هنر اصیل و تمدن غوری را در زیر کاشی های رنگین پنهان نموده و نمی توان در باره اش نظر به نزاکت های اجتماعی حقایق را بیان داشت.

اما نگاهی گذرا به هنر جهانی از جمله زیبا شناسی یاشوه گرایی که آنهم اشتقاقیست از هنر اسلامی اما به شیوه های تحریف شده و کاملاً مستقل از تقلید و ابتکار .

زیباشناسی شیوه گرایی Mannerism

ووادیسواف تاتارکیویچ می نویسد : شیوه گرایی (Mannerism) حاصل افراط در پیروی از سبکهاست. این سبک در فاصله میان هنر رنسانس و هنر باروک قرار دارد. شیوه گرایی بازتابی دوگانه داشته است به طوری که اطلاق آن برای هنرمندی گاه عنوانی تحقیر آمیز بوده و گاه ستایش آمیز. در این جا به سیر تکوین و تداوم این سبک پرداخته شده و ویژگی های هنرمندان آن مورد بررسی قرار گرفته است.

منریسم از واژه ایتالیوی Maniera (شیوه) گرفته شده، که از آن نیز به نوبه ی خود از واژه mano (به معنی دست) مشتق شده است، اصطلاح شیوه گری به برخی گرایش های مهم در هنر پس از رنسانس مرقی یعنی دوره پس از مرگ رافائل ۱۵۲۰ تا پایان سده شانزدهم مربوط می شود، این واژه در کاربرد وسیع به معنی پیروی افراطی یا غیر طبیعی از یک شیوه ی مشخص، مخصوصاً در هنر ادبیات است.

معنی اصلی منریسم تحقیر آمیز بود و دلالت بر محدودیت استعداد و کم مایگی هنری میکرد، و به گروهی از نقاشان روم و فلورانس که در میانه قرن شانزدهم با تقلید عمدی از روی برخی خصوصیات هنر رافائل و میکلائو آثار ساختگی و پر تصنع بوجود می آوردند اطلاق می شود.

«هنر عبارت است از ساخت و پرداخت اشیاء بر وفق طبیعت شان که خود حاوی زیبایی بالقوه است. زیرا زیبایی از خداوند نشأت می گیرد و هنرمند فقط باید بدین بسنده کند که زیبایی را بر آفتاب اندازد (آفتابی کند) و عیان سازد. هنر بر وفق کلی ترین بینش اسلامی از هنر، فقط روشی برای شرافت روحانی دادن به ماده است.»

البرت انشتین عقیده برآن دارد که در تخلیق و تجسم هنر باید به صورت مسئله یا اصل شئی پرداخت، چنانچه در یک جمله زیبا گفته است : « اگر یک ساعت برای فکر کردن بر روی یک مسئله دقت داشته باشیم ۵۵ دقیقه آنرا صرف تعریف دقیق صورت مسئله می کنیم.»

سید حسین نصر در پیش گفتار کتاب The Sense of Unity (حس وحدت) که در سال ۱۹۷۳ از سوی دانشگاه شیکاگو انتشار یافته نوشته است:

«تمدن اسلامی نمونه ی برجسته ی یک تمدن سنتی است. هنر اسلامی چیزی بیش از پرتو و انعکاس روح، و چه بسا بازتاب وحی قرآنی در دنیای خاکی نیست. انسان سنتی در جهانی زندگی می کند که هدف دار و سرشار از معنی است. جهان، همچون انسان، مظهر و مظهر قانون خداوندی است. در جوامع سنتی و اکثر تمدن هایی که در طول تاریخ وجود داشته اند، هر وجه زندگی، از جمله هنر و صنعت، با اصول روحانی قرین و مرتبط است. در حقیقت، فنون و هنرها یکی از مهم ترین و بلافضل ترین عرصه های ظهور و تجلی سنت است. از دیدگاه سنتی، انسان و جهان را نیز می توان به معنایی آفریده ی هنر قدسی دانست.»

اگر ما به تاریخ کشور خود برگردیم صنعت معماری غوربها از بدو ایجاد حکومت محلی تا امپراطوری شان از ابتکارات و فنون خاصی برخوردار بوده است این هنر غوری ها نسبت به تمام پیشرفت های هنری جهان از ممیزه ی خاصی برخوردار بوده نیاکان ما از مواد ابتدایی یعنی گل و خشت چنان ابوهت هنری بخرج داده اند که چشم جهانیان از دیدن آن در حیرت افتاده آب حسرت بر خسار شان می غلتد، ما نگاهی کوچکی را در ساختار

صفه کودکی

تنظیم برنامه غذایی طفل

محمد حسیب حزین یار



در این شماره خواستیم منظور از نظم و برنامه غذایی طفل را بدانیم؛ اکثر شیرخواران برای خوردن و خوابیدن به طور طبیعی تمایل به نظم و برنامه دارند، فاصله بین دو وعده غذا در یک شبانه روز ممکن است تفاوت کند، ولی یکروز تا روز دیگر تفاوت چندانی نخواهد داشت، هرچه شیر خوار بزرگتر می شود، نظم برنامه غذایی او تغییر می کند، زمان بیداریش افزایش یافته و همراه با بازی و فعالیت های مختلف خواهد بود، والدین می توانند - برنامه تغذیه کودک را طوری ترتیب دهند که هم برای کودک و هم برای خود مفید و راحت بوده، همچنین قابل پیش بینی باشد.

« جای شب و روز را باهم عوض کرده است» آنها روز ها می خوابند، خواب طولانی و سنگینی که بیدار کردن آنها به آسانی میسر نیست، لیکن شبها ساعت به ساعت بیدار شده و نق می زنند.

در هفته های نخستین، بتدریج دوره های خواب طولانی به شب منتقل می شود و بد اخلاقی و نق و نقه های شبانه بتدریج در طی چند ماه کم و بر طرف می شود، در طی چند ماه نخست، برنامه های متناوب، شیر خوردن، بازی کردن و حتی نق زدن جانشین خواب روزانه شده و در عوض خواب شبانه بیشتر طولانی میگردد.

شیر خوار بتدریج که به یکسالگی میرسد، تمام شب را میخوابد، ولی صبح زود بیدار شده، شیر میخورد، و یا دوباره برای یک الی دو ساعت میخوابد، شیرخوار یک ساله روز سه بار غذا و چند بار تنقلات (شیرینی) میخورد، همچنین در طی یک یا دوبار خواب کوتاهی دارد و شبها بعد از خوردن شیر، در ساعت مناسب و معقولی می خوابد.

حال ببینیم در طی یک سال چگونه این همه تغییر و تحول رخ میدهد؟ این تغییرات تنها کار والدین نیست، بلکه خود کودک نیز کمک می کند و اوقات و فاصله ی غذایی خود را بیشتر و مدت خوابیدن را کمتر می نماید، همگام بارشد و نمو، خودش رابا برنامه ها و عادت خانواده تطبیق میدهد.

ادامه دارد....

داشتن پلان یا برنامه منظم به این معنی نیست که کودک رأس هر سه یا چهار ساعت تغذیه شود، هر چند که عده ی از کودکان خود بخود چنین برنامه ی برای خود تنظیم می کنند، حتی بعضی از نوزادان از زایشگاه به منزل منتقل می شوند، دارای چنین نظمی هستند، ولی بعضی دیگر، برنامه های خاص خود را دارند و چند هفته ی طول می کشد تا منظم شوند، گاهی اوقات در طول روز به نظر میرسد کودکان گرسنه تر بوده و میخواهند بیشتر بخورند، لذا به فواصل یک و نیم تا چهار ساعت بیدار شده، شیر میخوانند و گاهی تا پنج ساعت نیز می خوابند.

مسئله تغذیه با شیر مادر در قرانکریم واضح و روشن است چنانچه خداوند متعال در آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره در این باره می فرماید: ترجمه : « ...؛ مادران، فرزندان را دو سال تمام شیر می دهند. این حکم برای کسی است که بخواند دوران شیر خوارگی را تکمیل کند ... نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر.»

گاهی به مدت چند ساعت بخصوص در اوایل شب بی قراری و بدخلقی می کنند، در طی این مدت کودکانی که شیر مادر میخورند خوشبخت هستند، زیرا مرتب دهان شان به پستان مادر است و اگر او را از پستان جدا کنند، گریه را سر میدهد، ولی کودکانی که از چوشک استفاده می کنند، اگر چه ممکن است گرسنه باشند اما از خوردن شیر امتناع می کنند و ممکن است پستانک را با حرص و ولع زیادی بمکند. عده ای از والدین نا خوشنود می گویند که نوزاد آنها

سیر مدیریت در شرق



مدیریت ماهنامه

بالغ، عاقل و رشید بودن
حریت (غلام نبودن)

آشنایی به امور مالی و نظامی
آگاهی به احکام شریعت

این وزیر که از طرف خلیفه، متصدی همه وظایف بود، تمام اختیارات خلیفه را داشت و می توانیست از صلاحیت های که خلیفه برایش واگذار نموده بوده با استقلال کامل استفاده نماید. جز سه مورد ذیل :

تعیین ولی عهد (وزیر نمی توانست برای خود ولی عهد انتخاب نماید)

عزل افرادی که خلیفه بکار گماشته بود (این هم کار دشوار بود، مانند بر طرف نمودن قضات که به فرمان خلیفه مقرر بودند) تقاضای استعفا ازملت.

وزیر تنفیذ دارای اختیارات محدودی بود این وزیر در واقع رابط بین خلیفه و دیگران بود و او احکام خلیفه را به مأمورین دولتی و مردم ابلاغ میکرد و در خواست های اهالی را به خلیفه می رسانید، این سیستم مشابه جامعه مدنی کنونی است، چون پل ارتباطی بین جامعه و دولت، این نماینده وظیفه ی داد خواهی از ملت را در مقابل خلیفه بدوش داشت.

در دوره خلافت عباسیان دیوان (دفتر یا سازمان) های امور کشوری و لشکری را اداره میکردند، مسئولان این دیوانها در پایتخت به عنوان صاحب دیوان و بعد از مقام وزارت مهم ترین مقام دولتی محسوب می شدند...

ادامه دارد...

مسلمین بهر نحویکه بدست آمده بود ثبت گردواین اداره حق نظارت بردخل و خرج را داشته باشد.

این سازمان کم کم توسعه یافت و دیوان های دیگری نیز از آن بشرح ذیل از دیوان یاد شده منشعب گردید:

دیوان خراج، مخصوص درآمد های مربوط به خرید ومالیات زمین ومحمول.

دیوان زمام مخصوص محاسبات لشکری.

دیوان معادن و اقطاع، مخصوص املاک دولتی و معدن ها.

دیوان نفقه، مخصوص محاسبات کشوری.

دیوان جند (به ضم جیم) مخصوص ثبت اسامی لشکریان و درجات آنان.

در زمان خلافت عباسیان هم مشاغل به دو دسته عام و خاص تقسیم می شد و هر کدام ناحیه وسیع یا محدود رادر برمیگرفتند شغل عام در منطقه وسیع مانند وزارت که در امور کشوری و لشکری حق دخالت داشت و در منطقه ی محدودمانند والی، شغل خاصی در تمام کشور، مانند قاضی القضاة و در ناحیه محدود مانند قاضی ابتدائیه و یا شهری. در این زمان دو نوع وزارت وجودداشت، وزارت تفویض ووزارت تنفیذ.

وزیر تنفیذ نماینده تام الاختیار خلیفه در تمام امور کشور بود، شرایط این وزارت بصورت آتی در لایحه وظایفش ثبت بود:

مسلمان بودن

عادل بودن

اصول مدیریت در سر زمین مشرق از سابقه ی طولانی بر خوردار است، زمان سر زمین شرق بمدیریت آشنا بود که در غرب وحشت و بربریت حکومت میکرد، این پدیده آهسته آهسته به اروپا منتقل ولی شرقیان موازین مدیریتی را بفراموشی سپردند، که حالاما در تجسس آنیم که چگونه طرز مدیریت را از غربیان بیاموزیم؟ بهر صورت سیر انکشافات در بعضی موارد مثبت و در حالات دیگر منفی می شود.

چنانکه اسناد تاریخی مورد مطالعه قرار گرفته اسکندر مقدونی (۳۳۳-۳۳۶ قبل از میلاد) که فرمانده یکی از بزرگترین ارتش های طول تاریخ بوده است، از اصول صنف وستاند (پایگاه) در سازمان نظامی خود استفاده کرده است.

پادشاهان ساسانی، بر خلاف اشکانیان، اصول مرکزیت دولت هخامنشی را با مذهب توأم کردند، اهمیت تعداد کارکنان سازمان های دولتی در این دوره بحدی رسید که طبقه ی بنام دبیران از طبقات اصلی اجتماع تشکیل شد، منشیان، محاسبان، نویسندگان حکام دادگاه ها، نویسندگان اجاره نامه هاو قراردادها منجمان و طبیبان جزء طبقه دبیران محسوب شدند.

در ابتدای حکومت اسلامی در مدینه، مقررات حکومت داری بدون تشکیلات و بطور ساده با نظارت و دستورات پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد(ص) کار میکرد، اما در زمان خلافت حضرت عمر (رض) با وسیع شدن حکومت اسلامی، برای حصول، جمع آوری غنائم حاصله از فتوحات، تقسیم عادلانه در نظر داشت مستحق، کمک برای فقرا ومستمندان آنحضرت دفتری به نام دیوان تشکیل نمود، تا همه اموال بیت المال

SHANSABANEYA



Email: hazinyar.gjcf@gmail.com

Mobail: 0799237579